

گزارش

فاصله‌گذاری حدادعادل با تندروها:

اصولگرایان نمی‌خواهند پاسوز پاچوش‌های نوحاشته شوند

دفاعه رادیکالیسم

داود حشمتی، انتشار حکم اعدام ظریف و پزشکیان از سوی افراد رادیکال در مشهد و تجمع مقابل مجلس، زنگ خطر را برای جریان اصلی اصولگراها یا شورای اتلاف به رهبری حدادعادل و قالیباف هم به صدا درآورده است. تا آنجا که ناچار شدند متن اظهارات حدادعادل در جلسه خصوصی شورای اتلاف را درباره این جریان به صورت علنی منتشر کنند.
حجم افراطگری که سرحد بهمن و اسفند ۱۳۷۸ رسیده است. خشونت‌های کلامی این روزها یادآور نفرت انباشته‌شده درون «دخمه» بود که آن روز از اسلحه سعید عسکر به مغز سعید حجاریان شلیک شد. حالا در این شرایط ظاهرا چنارها نمی‌خواهند این بار «پاسوز پاچوش‌ها» شوند.

فاصله‌گذاری بارادیکال‌ها

روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه حدادعادل در جلسه منظم شورای اتلاف اصولگرایان (شانا) درباره وضعیت کشور سخنرانی کرده و رسانه‌های نزدیک به این جریان آن را بازنشر کردند. متن این اظهارات در حالی منتشر می‌شد که یک روز قبل در مشهد عده‌ای با تجمع حکم اعدام برای ظریف و بقیه صادر کردند و در تهران همان جریان پاچوش‌ها در جمعی که مقابل مجلس برپا کرده بودند، خبر از «کمیته‌های مجازات» و «زنده‌بودن نواب‌صفوی» دادند؛ اتفاقی که در تاریخ پی‌سابقه نبود و در ماجرای ترور حجاریان کاملا قابل ردیابی است.

حدادعادل با بیان اینکه یکی از جلوه‌های عقلانیت دوری از تندروی است،

به گفت‌وگوهایش با جریان تندرو اشاره کرده و جواب آنها را برای ما فاش می‌کند: «ما گاهی به بعضی از دوستان در مجلس یا جاهای دیگر می‌گوییم تندروی نکنید و آنان می‌گویند مگر آقا نفروموندن نیروهای انقلابی را با عنوان تندرو از میدان فر نکتیم؟ ما می‌گوییم بله؛ آقا فرمودند ولی

این را به آن کسانی گفتند که سال‌هاست خط خودشان را جدا کرده‌اند؛ ضمن اینکه معنی این فرمایش حضرت آقا این نبود که اصلا تندروی وجود ندارد.»

رئیس شورای اتلاف حرف‌هایی می‌زند که مشخص می‌کند دست‌کم این‌بار آنها عمق فاجعه پیش‌روی کشور را درک می‌کنند و خواستار برهم‌خوردن نظم نیستند: «ما باید از افراط و تفریط خودداری کنیم. همان‌طور که رهبری معظم انقلاب در سیاست خارجی صحبت از عزت و حکمت و مصلحت می‌کنند، بدانیم در سیاست داخلی هم با اصولی مثل حکمت و مصلحت و عزت سروکار داریم و ببینیم که در شرایط فعلی با اوضاع جهانی و وضعیتی که در منطقه پیش آمده و دولت چهاردهم هم تازه کار خودش را شروع کرده، اگر جامعه به هم بریزد، دودستگی ایجاد شود، وفاق ملی که دولت شعار آن را می‌دهد، محقق نشود؛ بلکه سستی‌های بین گروه‌های مردم پدید آید، این بهترین زمینه است تا دشمن بتواند نقشه‌هایش را اجرا کند.»

تفاوت ۲ جریان اصولگرا با هم

هر دو جریان درونی اصولگرایان با مسعود پزشکیان رقابت داشتند و اساسا او را به‌عنوان فردی که نایبسته ریاست‌جمهوری باشد، قبول نداشتند. اما واقعیت این است که میان آنها نه‌تنها تفاوت بسیار است، بلکه حتی می‌توان گفت جریان حدادعادل این روزها به این نتیجه رسیده که برای رهایی و خلاص‌شدن از گرفتاری که تیم جلیلی برای کشور با تحریم‌ها ایجاد کرده، راهی جز اینکه با دولت پزشکیان همکاری کند، وجود ندارد. این شاید به نوعی چکیده همان اتفاقی بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری هم افتاد. به این معنا که در دور دوم انتخابات، شورای اتلاف اصولگرایان اگرچه ظاهرا از جلیلی حمایت کرد، اما درواقع می‌دانست که این جلیلی بود که با کنارزفتن باعث شکست آنها و قالیباف شده بود.

مطلوب آنها این بود که قالیباف رئیس‌جمهور شود اما موفق نشدند. در نبود قالیباف باید تصمیم می‌گرفتند که یا به ترکیب تیم جلیلی و دولت رئیسی ن دهند یا مسعود پزشکیان را در ریاست‌جمهوری ببینند. آنها تجربه رفتار حرفی تیم پاچوش‌ها در انتخابات مجلس دوازدهم را داشتند. ازاین‌رو به‌خوبی روشن بود که در صورت حضور دوباره جریان «خالص‌ساز» در قدرت، بار دیگر پروژه‌های بزرگ‌تر آغاز می‌شود.

جریان مخالف قالیباف در میان پاچوش‌ها هم این‌را خوب می‌فهمد. ازاین‌رو به او انتقاد می‌کند که همراهی آنها با دولت پزشکیان نه به خاطر فرمان یا دستور رهبری برای همکاری با دولت، بلکه به این دلیل است که با این طیف از اصولگرایان زاویه دارند. اما نکته اینجاست که شورای اتلاف اصولگرایان تصمیم گرفته تا به صورت علنی با جوش‌ها فاصله‌گذاری کند. این از سخنان اخیر حدادعادل که آنها را «تندرو» خطاب کرده، کاملا مشخص است.

آیا این جنگ زگرگی است؟

اگرچه جریان شورای اتلاف و پاچوش‌ها ارتباطات وسیعی با یکدیگر دارند و این از حرف‌های خود حدادعادل هم مشخص است، اما آنها خودشان به اختلافات زیربنایی که با جریان پاچوش‌ها دارند، واقفاند. مشخص است که از درون جریان شورای اتلاف با پاچوش‌های مجلس گفت‌وگوهایی شده و از آنها خواسته‌اند که باید دست از تندروی بردارند. اما آنها هم پاسخ داده‌اند که این‌طور نیست و ما تندرو نیستیم. استاد آنها به حرف‌های رهبری است که نباید انقلابی‌ها را تندرو خواند. اما حدادعادل درباره آن توضیح داده و حالا سعی کرده این گفت‌وگوها را علنی کند. چرا؟ دلیل آن این است که چنارها نمی‌خواهند «پاسوز پاچوش‌ها» شوند.

چنارهای اصولگرایی بیش و پیش از همه از عمق وجود این جریان آگاه هستند. آنها حدافصل سال‌های ۷۶ تا ۸۲، دوشادوش یکدیگر در مقابل جریان اصلاحات قرار داشتند. اینکه در آن مقطع چرا راه خود را با حمایت از احمدی‌نژاد از جریان دیگر جدا کردند، موضوعی است که پیش‌تر در یادداشت «رقابت اصلی در جای دیگری است»، یک روز قبل از انتخابات دور اول ریاست‌جمهوری در تاریخ ۷ تیرماه ۱۴۰۳ در روزنامه «شرق» منتشر کردیم.

این جریان از آن تاریخ در مقاطع مختلفی به یکدیگر نزدیک و از هم دور شدند، با این حال وقایع زمستان ۱۴۰۲ اصولگرایان شورای اتلاف را (که به هسته اصلی قدرت نزدیک‌تر هستند) به این جمع‌بندی رساند که پاچوش‌ها آمدند تا قبل از جریان رقیب، ریشه چنارها را بزنند. ازاین‌رو است که پیش‌ازاین از قرارگرفتن قالیباف در «منطقه وفاق» حمایت کردیم و معتقدیم این بار نیز حدادعادل تلاش می‌کند تا خود و جریان اصلی اصولگرایسان را در «منطقه وفاق» تعریف کند. این جریان اگرچه به‌ظاهر سروصدای کمتری دارد، اما به هسته اصلی قدرت نزدیک‌تر است. جریانی که این روزها آتش توبخانه رسانه‌ای خود را علیه پزشکیان خاموش کرده است و آن‌طور که به دولت‌های خاتمی و روحانی حمله می‌کرد، رفتار نمی‌کند. دلیل آن مهم‌تر از اینکه امیدداشتن به پزشکیان باشد، ترس از قدرت‌گیری عجیب و رفتار برهم‌زننده نظم عمومی و نظم ساختاری از طرف پاچوش‌هاست.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: سرانجام دو هفته پس از بازگشت

دونالد ترامپ به کاخ سفید و در واپسین دقایق سه‌شنبه، وی دستور احیای کمپین فشار حداکثری علیه ایران را صادر کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پس از امضای یادداشتی، از آمادگی برای مذاکره با رئیس‌جمهور ایران خبر داد و درباره آینده مناسبات با تهران و تداوم سیاست فشار حداکثری خود ابراز امیدواری کرد که «نیازی به استفاده از این گزینه (فشار حداکثری) نباشد. اما باید دید آیا می‌توانیم به توافق با ایران برسیم؟». ترامپ در ادامه از تردیدش برای امضای دستور بازگشت فشار حداکثری به ایران گفت و مدعی آن بود که «این برای ایران خیلی سخت است و من امیدوارم مجبور نباشیم خیلی از آن استفاده کنیم.»

از تماس ترامپ با تهران تا تهدید به نابودی ایران

در جلسه پرسش و پاسخ ترامپ، پس از امضای دستور احیای فشار حداکثری علیه ایران، وی با لحنی توأم با تهدید و احترام نسبت به تهران سخن گفت. چنان‌که از یک سو و در پاسخ به این پرسش‌که «آیا برای شروع مذاکرات، با ایرانی‌ها درباره نوعی توافق تماس گرفته‌اید؟»، صراحتا عنوان کرد: «من با آنها تماس می‌گیرم، برای مهم نیست که آنها تماس بگیرند یا من بگیرم». اگرچه به ادعای رئیس‌جمهور آمریکا، «بسیاری از افراد می‌گویند بگذار آنها (ایرانی‌ها) تماس بگیرند»، اما به گفته ترامپ «برای من این مهم نیست که من با تهران تماس بگیرم؛ چون این تنها یک گفت‌وگو است و من می‌خواهم صلح را در خاورمیانه و جاهای دیگر ببینم.» علی‌رغم این لحن، در سویی دیگر کلیددار تازه‌راه کاخ سفید با تکرار ادعاهای واشنگتن درباره نزدیک‌شدن ایران به ساخت سلاح هسته‌ای، به سوآلی مبنی بر اینکه «آیا می‌تواند با تهران به توافقی دست یابد یا خیر؟» صرفا به بیان این جمله بسنده کرد که «ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. ما نمی‌خواهیم سخت‌گیری زیادی بر ایران اعمال کنیم.» به گفته رئیس‌جمهوری تازه‌نفس آمریکا، «ناید اجازه دهم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد. تعداد زیادی از مقامات ایرانی هستند که نمی‌خواهند ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد.» مستأجر جدید کاخ سفید در ادعایی این حق را هم برای خود مسلم دانست که «فروش نفت ایران را به سایر کشورها متوقف کند». اما گفته‌های ترامپ در ادامه لحن تندتری به خود گرفت و با ادبیات صنادیرانی و در ادعایی سنتی، تهران را تهدید کرد و هشدار داد: «اگر ایران بخواهد مرز ترا ترکند و قصد کشتنم را داشته باشد، آنها را از بین می‌بریم.» به ادعای رئیس قوه مجریه ایالات متحده، «دستوراتی داده‌ام که اگر این کار را انجام هند، هیچ چیزی از آنها باقی نماند». رئیس‌جمهوری آمریکا سخنانش در این‌گونه تندتری به خود گرفت و با ادبیات دوست‌دار صلح برقرار کرد. فکر نمی‌کنید که آنها دیگر به اندازه کافی تحمل کرده‌اند؟». با این وجود، ترامپ از پاسخ به پرسشی درباره اینکه «اگر نخست‌وزیر اسرائیل از او بخواهد علیه ایران از زور استفاده کند، چه خواهد کرد؟» اجتناب و صرفا عنوان کرد: «نمی‌دانم نخست‌وزیر چه خواهد گفت.»

از «فرمان اجرائی» تا «یادداشت اجرائی» و «دستور ویژه»

ساعاتی پیش از امضای دستور ترامپ برای بازگشت کارزار فشار حداکثری علیه ایران، خبرگزاری «رویترز» روز سه‌شنبه به نقل از یک مقام آمریکایی ادعا کرد انتظار می‌رود ترامپ یک دستور (فرمان) اجرائی را برای احیای سیاست «فشار حداکثری» علیه تهران امضا کند.
باین‌حال و به نوشته ستون، ایران، این رسانه سپس متن خبر خود را اصلاح کرد و نوشت: «ترامپ یک یادداشت ریاست‌جمهوری دراین‌باره امضا خواهد کرد». این مقام آمریکایی به خبرگزاری رویترز اطلاع داد که این یادداشت ترامپ، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده را موظف می‌کند تا «فشار اقتصادی حداکثری» را بر ایران اعمال کند؛ از جمله با تحریم‌ها و سازوکارهای اجرائی علیه کسانی که تحریم‌های موجود را نقض می‌کنند.
این‌مقام آمریکایی همچنین مدعی شد در چارچوب سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، دولت جدید آمریکا اقداماتی را «با هدف به صفر رساندن صادرات نفت ایران» پیش می‌برد. بر اساس گزارش رویترز، این‌مقام ادعا کرد سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد با متحدان کلیدی خود برای «تکمیل روند» بازگشت سریع تحریم‌ها (snapback) و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران» همکاری خواهد کرد. رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا برای ملزم‌کردن نهادها و دستگاه‌های اجرائی به انجام برخی دستورهای خود می‌تواند سه سند امضا کند که مستشمل بر «فرمان اجرائی»، «اعلامیه» و «یادداشت اجرائی» است. البته فرمان (دستور) اجرائی در صورتی که متن آن به اختیارات ریاست‌جمهوری مستند باشد، قدرت قانون را دارد و در فدرال ریجستر ثبت می‌شود. اما یادداشت رئیس‌جمهوری در فدرال ریجستر ثبت و منتشر نمی‌شود و متن آن نیز به اختیارات رئیس‌جمهوری مستند نیست و صرفا برای اعمال مدیریت در نهادهای اجرائی است. البته برخی رسانه‌های دیگر از واژه‌ها و عبارت‌های متفاوتی نظیر «دستور ویژه» یا «یادداشت ویژه» هم استفاده کردند.



ترامپ در یک نمایش سیاسی هم دستور احیای کمپین فشار حداکثری را امضا کرد و هم از تمایل خود برای گفت‌وگو با ایران سخن گفت

حرکت اول ترامپ

کوروش احمدی: سند امضاشده علیه ایران، بخش‌نامه است نه فرمان اجرائی



پیرو آنچه گفته شد، کوروش احمدی در گفت‌وگویی با «شرق» و برای تبیین بیشتر دو ابهام یا سؤال دال بر اینکه «آنچه شامگاه سه‌شنبه توسط دونالد ترامپ علیه ایران امضا شد، در طبقه‌بندی اسناد چگونه تعریف می‌شود و «یادداشت اجرائی» یا «دستور ویژه» چه تفاوتی با «فرمان اجرائی» دارد و نیز زمان‌بندی اجرای آن»، ابتدا به ساکن روی کلمه «Memorandum» تأکید کرده و خاطرنشان می‌کند: «سندی که به امضای ترامپ رسید، لزوما نمی‌توانیم «فرمان اجرائی» ترجمه کنیم؛ گم‌آینگیه استفاده از لفظ «دستور ویژه» نیز شاید خیلی مناسب نباشد». از این حیث و به باور وی، «شاید با توجه به محتوا و کارکرد این سند، اگر آن را «بخش‌نامه» ترجمه کنیم، بهتر باشد.»

دیپلمات پیشین کشور در تشریح بیشتر تفاوت «بخش‌نامه» با «فرمان اجرائی»، به این نکته کلیدی اشاره دارد که «این سند یعنی بخش‌نامه، فرقی‌هایی با فرمان اجرائی دارد که بیشتر دارای کارکرد اداری و بوروکراتیک است. مثلا ثبت رسمی نمی‌شود و می‌تواند داخلی باشد و منتشر هم نشود». بنابراین از دید او، «فرمان اجرائی به لحاظ بوروکراتیک وزن بیشتری در ساختار اداری، اجرائی و قضائی آمریکا دارد و مثلا در دادگاه نیز قابل طرح و استناد است.» ضمن آنکه به گفته این کارشناس، «فرمان‌های اجرائی برای اجرای قوانین یا دستورات مشخص و نکات مدنظر رؤسای جمهور استفاده می‌شوند». این در حالی است که «صدور بخش‌نامه با اهداف فرعی و اداری و مثلا تقسیم وظایف بین وزیر ورتخانه‌ها، ادارات، سازمان‌ها و ارگان‌ها صادر خواهد شد.»

تحلیلگر حوزه بین‌الملل با اشاره مستقیم به بخش‌نامه سه‌شنبه‌شب ترامپ، متذکر می‌شود: «این سند صرفا وظایف و مسئولیت‌هایی را به وزارت امور خارجه، وزارت خزانه‌داری و دادستانی کل محول و مشخص کرده است که هرکدام به چه شکلی در برابر ایران عمل کنند.» احمدی در ادامه در پاسخ به این پرسش‌که «چرا دونالد ترامپ به‌جای صدور فرمان اجرائی از امضای بخش‌نامه برای احیای کمپین فشار حداکثری علیه ایران استفاده کرده است؟» گفت: «چون برای اعمال فشار حداکثری، قوانین پیشین کنگره و نیز فرمان اجرائی دولت اولش (ترامپ) وجود داشت و نیاز به موارد جدید محتوایی نبود. درواقع دونالد ترامپ صرفا با امضای یک بخش‌نامه (Memoran-dum)، همه قوانین پیشین کنگره و فرمان اجرائی دولت اول خود را مجدد مورد تأکید کرده و اجرای آنها را از وزارتخانه‌های امور خارجه، خزانه‌داری و نیز دادستانی کل خواسته است.»

بنابراین به گفته او، «برای احیای کمپین فشار حداکثری علیه ایران، به لحاظ طبقه‌بندی اسناد، نیازی به صدور فرمان اجرائی نبود.» ضمن آنکه احمدی یادآور می‌شود: «در دوره جو بایدن هم هیچ‌یک از فرمان‌های اجرائی قبلی لغو نشده بودند و تنها تصور این بود که با شدت عمل و به‌طور سخت‌گیرانه علیه ایران اعمال نمی‌شوند.» وی این را هم افزود که «اکنون نظر ترامپ بر این است‌که با امضای این بخش‌نامه، دوباره فشار حداکثری با شدتی مانند دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش عملیاتی شود.»

احمدی در ارزیابی ابهام درباره گفته دونالد ترامپ مبنی بر اینکه «امیدوارم مجبور به اجرائی‌کردن این سند علیه ایران نباشم»، به موضوع مهم «زمان‌بندی» ورود کرد و یادآور شد: «با امضای بخش‌نامه از سوی دونالد ترامپ و به لحاظ اداری، پروسه احیای کمپین فشار حداکثری توسط وزارت امور خارجه، وزارت خزانه‌داری و نیز دادستانی کل از زمان امضا و ابلاغ شروع شده است.» احمدی در عین حال اعتقاد دارد «ترامپ با این جمله شاید به یک دوره چندهفته‌ای و شاید چندماهه برای اجرائی‌کردن این دستورالعمل جدید اشاره دارد و اینکه در این مدت ممکن است مذاکراتی شکل بگیرد و نتایجی حاصل شود و در این صورت نیازی به ادامه این فشار حداکثری نباشد.»

وی در تبیین بیشتر این نکته، برای مثال متذکر می‌شود: «به واسطه این بخش‌نامه باید توسط وزارت امور خارجه یا وزارت خزانه‌داری آمریکا نسبت به شناسایی و تحریم نفتکش‌ها، بنادر و شرکت‌های مرتبط با ایران و با هدف صفر رساندن فروش و صادرات نفت ایران، اقدامات لازم صورت بگیرد که طبیعتا این‌کار فرصت زمانی خاص خود را می‌طلبد.»

در ادامه این‌گپ‌وگفت با «شرق»، کوروش احمدی درباره «زمان» امضای بخش‌نامه توسط دونالد ترامپ علیه ایران که قبل از دیدار با نتانیاهو انجام شد، به طرح این نکته می‌پردازد که «دونالد ترامپ شاید با هدف نمایش قدرت خود و نشان‌دادن اینکه تصمیم‌گیر خود اوست، این سند را قبل از دیدار با نتانیاهو امضا کرد تا هیچ‌گونه شبیه، شائبه و گمانه‌زنی درباره تأثیر یا فشار نتانیاهو بر او (ترامپ) شکل

خبر

در حاشیه‌های حباط دولت مطرح شد از مسئول پرونده هسته‌ای تا رکورد فروش نفت

شرق: دیروز اعضای کابینه چهاردهم در حاشیه جلسه هیئت دولت پاسخ‌گوی سؤالات خبرنگاران بودند. معاون راهبردی رئیس‌جمهوری به سؤالی درباره مسئولیت پرونده هسته‌ای ایران پاسخ داد. محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهوری، در حاشیه دپیروز جلسه هیئت دولت، در پاسخ به سوآلی مبنی بر اینکه «با توجه به شباهت‌هایی که درباره آقای شمخانی مطرح شده، به جز رئیس شورای‌عالی امنیت ملی و وزارت خارجه، چه شخصی دیگری می‌تواند مسئولیتی در پرونده هسته‌ای ایران داشته باشد؟ اصلا هیچ اطلاع دارید که ایشان مسئولیتی دارند؟»، گفت: در دوران ما، آقای شمخانی به‌عنوان دبیر شورای‌عالی امنیت ملی هماهنگی عملیاتی را برعهده داشتند. مذاکره در اختیار وزارت خارجه بود. او افزود: فکر می‌کنم هنوز هم مذاکرات بحث هسته‌ای در اختیار آقای دکتر عراقچی باشد که هم سابقه بسیار خوبی دارند، هم مورد اعتماد مقام معظم رهبری هستند.

او ادامه داد: در سفر به داووس احتمال داشت به دلیل ناهماهنگی پروازها توقفی در بین یا فرانکفورت داشته باشیم. به‌تازگی برای توقف هم ویزا می‌خواهند. مراحل اعلام درخواستی شروع شد تا ویزای شنگن بگیرند. معمولا هم وقتی می‌خواهند یک ویزا بگیرند، به جای اینکه ۱۰ بار ویزا درخواست کنند، یک ویزای شنگن شش‌ماهه درخواست می‌کنند. برای همه نیز همین روند طی می‌شود. البته دوستان لطف ویژه‌ای به من در همه موارد دارند که این موارد را برجسته می‌کنند و چیز عجیبی است. معاون راهبردی رئیس‌جمهوری گفت: زمانی هم که وزیر بودم، در برخی سفرها همراه با همسرم و به هزینه خودمان سفر می‌کردیم و همسرم در جلساتی به زبان انگلیسی سخنرانی می‌کرد. هزینه‌اش را ما می‌دادیم و منفعت آن را جمهوری اسلامی می‌برد. طرح این مسائل، واقعا تنگ‌نظری است. خدا را شکر که پرواز از استانبول جور شد و درخواست ما هم به سفارت آلمان نرفت. ظریف تصریح کرد: خیلی عجیب است که یک نامه‌نگاری داخلی درباره یک ویزا برای حضور در یک جلسه بین‌المللی که گزارش آن هم برای همه رفته است، تبدیل به موضوعی برای سروصداکردن می‌شود.

او در پاسخ به پرسشی درباره احتمال تصویب اف‌ای‌تی‌اف در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: همیشه معتقد بودم باید موانعی را که وجود دارد، برطرف کنیم. تحریم‌ها یک مانع است. ما بیشتر درباره کنوانسیون پالرمو و مبارزه با تروریسم صحبت می‌کنیم که هرکس بگوید این دو مانع نیستند، اطلاعات خوبی درباره وضعیت مبادلات بین‌المللی ندارد.

در دی‌ماه رکورد صادرات نفت را زدیم
محسن پاک‌نژاد در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت، بیان کرد: به‌زودی با حضور رئیس‌جمهوری یکی از بزرگ‌ترین قرارداد‌های تاریخ نفت کشور امضا می‌شود. محتوای قرارداد نیز بعد از امضا به اطلاع مردم عزیز خواهد رسید. این قرارداد یکی از مطالبات جدی ملت و مسئولان است. وزیر نفت اعلام کرد که در دی‌ماه رکورد بیش از ۱۰ سال گذشته در صادرات نفت را زدیم.

در کمترین زمان ممکن می‌توانیم هوایم‌ای مسافربری بسازیم

سردار رضا طلاپی‌نیک، سخنگوی وزارت دفاع، نیز با اشاره به اینکه قابلیت ساخت هوایم‌ای مسافربری به لحاظ دانش فنی و فناوری و بخشی از زیرساخت‌های آن وجود دارد، گفت: اگر دولت حمایت کند و تکمیل ظرفیت‌های زیرساختی و پشتیبانی لازم انجام شود، در کمترین زمان ممکن می‌توانیم به ساخت هوایم‌ای بومی مسافربری برسیم و وابستگی شدیدی که کشور برای واردات هوایم‌ای مسافربری دارد، با یک برنامه میان‌مدت و زمان‌بندی‌شده می‌تواند مرتفع شود.